

۲۰۷۹۰۷۸



شارتوت دبی و اتیسن
مترجم نیمینا

www.ketab.ir



سرشناسه:	ماتسن، شارلوت مری، ۱۸۹۲ - م.
عنوان و نام پدیدآور:	Matheson, Charlotte Mary
مشخصات نشر:	پر = The feather / شارلوت مری ماتسن؛ ترجمه میمنت دانا.
مشخصات ظاهری:	تهران: شنایا، ۱۳۹۸.
شابک:	۲۳۲ ص.
وضعیت فهرست نویسی:	۹۷۸-۶۲۲-۹۶۵۱۹-۰-۲
ادداشت:	فیا
یادداشت:	عنوان اصلی: The feather.
موضوع:	کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
شناسه افزوده:	داستان های انگلیسی -- قرن ۲۰ م.
اسم اثر:	۲۰th century -- English fiction
رده بند کنگره:	دانا، میمنت، ۱۳۵۸ - مترجم
رده بند دیویی:	Dana, Meymanate
شماره کتابست:	PZ۳
	۸۲۳/۹۱۴
	۵۹۸۳۵۴

شارلوت مری ماتسن

مترجم: میمنت دانا

طراح گرافیک: زینب ساهی

قیمت: ۵۱,۰۰۰ تومان

چاپ: اول ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۵۱۹-۰-۲



تلفن: ۰۹۱۲۴۹۸۴۹۷۹

مقدمه‌ی مترجم

کتاب «پر» اولین ترجمه‌ی من است. بیش از آن‌چه من انتظار داشتم مردم کتاب دوست مرا به خاطر این ترجمه تشویق کردند و به من جرأت دادند که دست به ترجمه‌های دیگر بزنم. عددی بر من خرده گرفتند که چرا نویسنده را آن‌طور که باید معرفی نکرده‌ام و از من خواستند که مقدمه‌ای بر این کتاب بنویسم و این‌که «پر» برای ششمین بار چاپ می‌شود. می‌خواهم به این خواسته جواب بدهم، ولی آن‌چه من اکنون می‌خواهم بنویسم درباره تولد یا مرگ نویسنده و این‌که این کتاب به چند زبان ترجمه شده و نویسنده چرا کتاب نهفته نیست، بلکه شرح ماجراها و دلهره‌هایی است که ترجمه‌ی این کتاب برای خود من داشته است.

«چطور شد که شما دست به ترجمه زدید؟»

این سوالیست که از ابتدای انتشار کتاب «پر» و در عرض این چند سال اغلب از طرف دوستان و یا روزنامه‌نگاران از من شده است. آن‌ها که مرا می‌شناسند، می‌دانند که تحصیلات و رشته‌ی کاری من به قدری از عالم نویسندگی و ادب دور است که این اقدام را از طرف من غریب می‌دانند، حق هم دارند. دنیای پزشکی، بهداشت، طب پیشگیری، دلهره و سروکله‌زدن با پرستار و بیمار کجا و ترجمه و نویسندگی کجا؟

محرك اصلی من خود کتاب «پر» بود. من بعد از خواندن این کتاب، چنان

تحت تأثیر لطافت آن واقع شدم که تا مدت‌ها در عالمی رویایی سیر می‌کردم و غمی سنگین اعصابم را تحت فشار قرار داده بود. به هر کاری دست می‌زدم و به هر جا می‌رفتم، شخصیت‌های کتاب «پر» مرا دنبال می‌کردند. راجر دالتون و عشق بی‌نظیر او، از خود گذشتگی‌ش، همان شخصیت ایده‌آلی بود که هر زنی در عالم رؤیا نقشش را در اعماق قلب خود می‌کشید و زیبایی ماویس و هنر آسمانیش از آن نوع زیبایی و هنری بود که نفس در سینه حبس می‌کند و انسان را خیره می‌سازد. من می‌خواستم راجر و ماویس را با دوستانم آشنا کنم، می‌خواستم این دو شخصیت را با دوستانم و دوست‌داشتنی‌ها به مردم هنر دوست و حساس معرفی نمایم. من به آن‌ها نویسنده‌ی این کتاب را آن‌طور که شایسته است به مردم بشناسانم چون کتاب «پر» وقتی به دست من رسید که مقدمه‌ی آن پاره شده بود و من موفق نشدم منبعی به دست بیاورم که در شناساندن این نویسنده‌ی ظریف مریاری کند. بنابراین کوشیدم نویسنده را با معرفی قهرمانان داستانش با مردم آشنا کنم، ولی وقتی که قلم را با دودلی و تردید به دست می‌گرفتم از این وحشت داشتم که نتوانم حق نویسنده را ادا نمایم. شهرت مقام نویسندگان بزرگ برای کسانی که دست به ترجمه‌ی آثار آنان می‌زنند خود بزرگ‌ترین شیرین‌دلی‌گر می‌است، ولی اطلاعاتی که من از این نویسنده داشتم فقط نام *Charlotte Mason* بود که در ابتدای کتاب به چشم می‌خورد.

امروز که من این چند سطر را به جای مقدمه‌ی چاپ ششم می‌نویسم قلبم آکنده از لطف و محبت دوستان دیده و نادیده‌ایست که مرا با خاطرات ترجمه‌ی این کتاب تشویق نمودند. یکی از آن دوستان نادیده آقای جلال میزبان هستند که نامه‌ی پُر از لطف ایشان را در چاپ پنجم کتاب ملاحظه می‌فرمایید.

یکی از خوانندگان باذوق عکس بسیار زیبای پری را در کاغذ نازی پیچیده و با پست برایم فرستاده که هنوز هم ناشناس می‌باشد. دو نفر از دوستان بسیار عزیز و نزدیک من هدایای ظریفی به شکل «پر» برایم تهیه و ارسال داشتند.